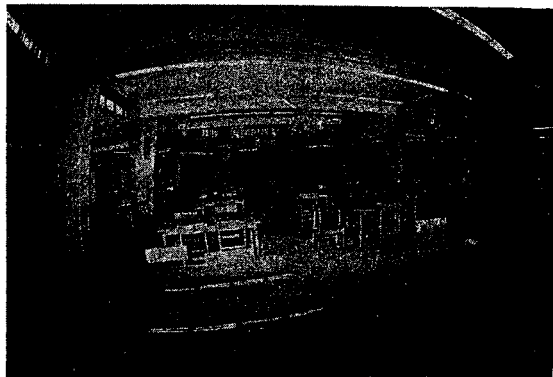




بررسی بینش‌های مطالعه در تحقیقات عصر حاضر



تألیف: دکتر احمد شعبانی
عضو هیات علمی گروه کتابداری دانشگاه اصفهان

مقدمه

مطالعه و بینش مطالعه در قرن حاضر مبتنی بر نفوذ عوامل سیاسی و اجتماعی در حوزه فرهنگی به عنوان سرگرمی و ارتقاء اندیشه و فکر محسوب شده، لیکن نگرش به خواندن، دیدگاه‌های متنوع و متفاوتی را در مطالعات دانشگاهی در بردارد. وایلز مفسر غربی جامعه‌شناسی مطالعه، رشد و توسعه مطالعه را برحسب شرایط فرهنگی، توزیع مواد، سبک و شخصیت خواننده مورد کنجکاوی قرار داده، در حالیکه ریمشا از متفکرین شرق اروپا مطالعه را براساس ساختار سیاسی و دوره‌های تاریخی بررسی نموده است. در این مقاله سعی می‌شود تقابل دو نوع تفکر موجود مورد دقت واقع شده شواهد فکری مؤلفین مزبور به صورتی خلاصه مورد شناسایی قرار گیرد.

در زمینه بینش مطالعه در عصر جدید از دوره ورود اروپاییان به امریکا تصاویر روشن و ایده‌آلی به نقش کشیده شده است. از آنجا که صنعت قرین فراغت انسان‌ها گردید، مطالعه نیز جایگاهی ویژه در تمدن نوین غرب حاصل کرد. نقش موازین مطالعه و تفکر درخصوص ماده مکتوب از دوره جنگ‌های داخلی آغاز شد و موجبات تصنیف آثاری متعدد گردید. این حرکت دلکش بعدها با توسعه کتابخانه‌های عمومی در ایالات متحده با توجه به کمک‌های آندروکارنگی^۱ در ۱۹۰۱ میلادی و جان.د.راکفلر^۲ در ۱۹۰۲ میلادی استمرار یافت. چنین تحولات عمیقی در فرهنگ عامه، تأثیرگذاری گسترده خود را بعدها در اروپا به ویژه بریتانیا به ظهور رساند. نقش مطالعه برای بزرگسالان و توسعه سواد عمومی تبلوری مثبت در رشد صنعتی و فرهنگ اجتماعی و عمومی حاصل کرد. نخستین علائم توسعه بینش مطالعه مبتنی بر آمارهایی است که خواندن ماده مکتوب را در ایالات متحده بیان می‌کند.

در ۱۹۸۵ میلادی، ۵۶٪ آمریکایی‌ها یک کتاب داستان یا شعر مطالعه کرده‌اند (معادل ۹۲/۵ میلیون نفر) که این تعداد ۳ میلیون نفر بیش از سال ۱۹۸۲ می‌باشد.^(۱)

به واقع چه عواملی در گسترش امر خواندن و علایق تشویقی و انگیزه‌های مطالعه تأثیرگذار است و چگونه خواندن به دستیابی انسان جهت توسعه فکر فرهنگی کمک می‌کند. بسیاری انگیزه مطالعه را به خانواده، تحصیلات، حمایت حکومت و یا فرآیند تشویق‌های اجتماعی مانند باشگاه، جشنواره و جایزه کتاب تلقی می‌کنند.^(۲) هر چند ابعاد مزبور کارکردهای خاص و ویژه خود را در طول مدت زمان عیان می‌کنند، اما باید براساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی امر توسعه مطالعه را ارزیابی کرد. یکی از آثار برجسته، درخصوص تدوین وضعیت مطالعه موسوم به "عامه درباره چه می‌خواهند مطالعه کنند"^۳ در ۱۹۳۱ به توسط داگلاس واپلز^۴ سعی دارد نوعی از بینش مطالعه را تقسیم‌بندی نماید. شاید برخی دیدگاه‌های واپلز برای بسیاری روشن و آشکار بود. جنسیت، سطح آموزشی، اشتغال و سن مواردی بود که در انتخاب کتاب و توسعه مطالعه مؤثر قرار می‌گرفت. ولی واپلز فراتر از متغیرهای فوق حرکت کرد و از طریق سنجش عوامل اقتصادی، اجتماعی و روانی تحقیق در خواندن را برحسب اقشار مختلف به انحاء ذیل تقسیم کرد:^(۳)

۱. پیش شرطهایی که باعث می‌شود مسائل اجتماعی و شرایط فرهنگی بر انتشارات تأثیرگذار باشد. در این خصوص عوامل زیادی بر نشر مؤثر می‌گردد. مثلاً: زمینه دموکراسی و حضور حکومت‌ها بر صحنه مواد مکتوب می‌تواند یک عامل فزاینده در جهت گسترش نشر مواد مکتوب و یا علایق به مطالعه قرار گیرد. از این طریق خواندن نوعی انگیزه جهت فرد محسوب شده، مطالعه بیان نیازهای اجتماعی محسوب



می‌گردد.

۲. توزیع: علائق و دستیابی خواننده، که از عوامل عمده در توسعه کتابخوانی است. دسترسی به کتاب که از طریق اتباع ماده مکتوب و یا بهره‌جویی از کتابخانه‌ها صورت می‌گیرد، شیوه‌ای از توسعه شوق مطالعه است. این روند با فزونی انتشارات و گرانی کتاب موجب شده تا نهادهای اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ای تأسیس و گسترش یابد تا علائق خواننده سیراب گردد.

۳. چاپ و طبع موضوعات، سبک‌ها و مطالبی که خواننده را از نظر انگیزه متقاعد کند. در حقیقت تنوع موضوعی مواد مکتوب، سبک‌های گوناگون و مطالب مختلف دسترسی خواننده را در جهت کتاب افزایش می‌دهد. چنین دیدگاهی به ویژه در جهان سوم در خصوص کتب ادبی، اجتماعی و سیاسی دارای محدودیت‌هایی ویژه بوده به قسمی که در این ممالک عامل سانسور و خودسانسوری در کاهش عناوین و موضوعات مؤثر می‌باشد.

۴. شخصیت خواننده، سیرت اجتماعی وی و حرکت‌های روانشناسانه که در واقع به روانشناسی خواننده موسوم می‌باشند. در این طریق جامعه یا کارگزاران بر روانشناسی خواننده تأکید کرده از طریق لذت‌جویی، فرح‌بخشی و ایجاد نشاط سعی می‌کنند اوقات فراغت مفیدی را برای خوانندگان فراهم آورند. این روانشناسی ممکن است در تعامل بین کتابدار و مراجعه‌کننده و یا در وسایل ارتباط جمعی انعکاس یابد.

۵. تأثیر خواندن: که مبتنی بر جایگاه مطالعه در زندگی انسان اجتماعی است. چنین تأثیری می‌تواند بر فرهنگ مشتمل بر رکود یا حرکت، تحول بنیاد آموزشی شامل بهره‌جویی یا عدم بهره‌جویی از ماده مکتوب، و نفوذ هنر در یک جامعه قرار گیرد. این متغیرها نیاز به متخصصینی دارد تا نسبت به تجزیه و تحلیل موارد مزبور اقدام ورزند. پیش شرط‌ها می‌تواند به وسیله تاریخ‌نگاران و فروشندگان کتاب، توزیع که مبتنی بر عوامل جلب و دستیابی خواننده است از اشتغال کتابداران، شخصیت خواننده از موارد عملی آموزش‌گران و جامعه‌شناسان، و اثر خواندن به وسیله روانشناسان بررسی شود. تمام این موارد توسط مطالعه بر نشر و طبع کتاب و مجلات صورت می‌گیرد. از جمله بررسی در

یک حوزه خاص مانند شیمی به ارزیابی حوزه مجلات شیمی مرتبط است. در نهایت این نظریه مبتنی بر این بینش قرار دارد که بررسی مواد مکتوب و وسایل ارتباط جمعی هر کدام به ارزیابی بخشی از مواد مانند مجلات، روزنامه‌ها و دیگر مواد منجر خواهند شد.

از دوره مزبور که اکنون بیش از نیم قرن می‌گذرد تحولاتی عمیق در دیدگاه‌های صوری مطالعه و خواندن در کشور مزبور صورت یافته. مثلاً در ۱۹۷۵ میلادی رابرت دارنتون^۵ در کتاب "عصر روشنائی: تاریخ انتشار دایرةالمعارف‌ها ۱۷۷۵ - ۱۸۰۰"^۶ سعی کرد به این مفهوم دست یابد که چگونه و چه کسانی به نشر کتاب مبادرت می‌کنند، وی در ضمن سعی کرد به این مسئله پاسخ دهد که چه دیدگاه سیاسی و فرهنگی در کتاب تولید و خوانده می‌شود. از این طریق دارنتون به این فکر دست یافت که تاریخ اجتماعی و فرهنگی ارتباطات توسط چاپ است که می‌تواند به نشر انتقال چگونگی ایده‌ها از میان طبع دست یابد.^(۴)

هر چند دیدگاه‌های واپلز و دارنتون ناشی از یک جامعه با کارکردهای سرمایه‌داری به انضمام دموکراسی پارلمانی است که ساختار متغیرها مبتنی حرکت و تحولات سیاسی نهادهای مختلف می‌باشد، متقابلاً می‌توان پیش زمینه تاریخی را در خواندن بر سیاست‌گذاری حکومت مورد شناسایی قرار داد.^(۵) مثلاً در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (سابق) مقدمات و پیش زمینه‌ها در خواندن و مطالعه براساس نکات سیاسی و تاریخی از سوی حکومت پیشین هدایت می‌شد. بنابراین متغیرهای متعددی که مرتبط با خواندن بودند در چارچوب سیاست‌های حکومت وارد می‌شد. ویتائوتاس ریمشا^۷ در یک بررسی مفصل پیش زمینه‌های علائق مطالعه در لیتوانی را طی سنوات ۱۹۱۸ تا ۱۹۹۰ مورد ملاحظه قرار داده است.^(۶) ریمشا نخستین مرحله را مبتنی بر سال‌های آغازین قرن حاضر که احساسات ملی رشد یافت، تشخیص می‌دهد. این سال‌ها از ابتدای قرن حاضر تا ۱۹۱۸ را در بر می‌گیرد، در این دوره مطبوعات به زبان لاتین توسعه یافت و مدارس تحت نظارت رژیم تزاری فعالیت می‌کرد.

روشنفکران در این دوره نقشی عمده در گرایش به مطالعه و خواندن ایفا می‌کردند و مواد کتابی آنتی تزاریسم طرفداران



زیادی داشت. مهاجرین لیتوانی به آلمان و ایالات متحده کوچ می‌کردند و فرهنگ مناطق مزبور را اخذ می‌کردند. در مهاجرت نیز روزنامه‌هایی از این دسته مردم طبع می‌شد و می‌توانست میزان احساسات آنها را باز نماید.

مرحله دوم از تحقیق و بررسی مبتنی بر دوره ۱۹۱۸ تا ۱۹۴۰ می‌باشد که جمهوری لیتوانی از نظر استقلال سیاسی و پیشرفت‌های اجتماعی به انضمام مسائل فرهنگی جایگاهی ویژه را در مطالعات خطی به دست آورد و مطالعه برای شهروند مزبور حالتی شایسته یافت. مطالعات و تحقیقات انجام یافته مشتمل بر این اساس است که خواندن یک عامل فراغتی و تفریحی بوده و توانسته بین کودک، نوجوان و عامه رخنه یابد. متقابلاً سطح مؤسسات و کتابخانه‌های علمی و تحقیقی فراتر از گذشته است. تحقیقات گوناگونی در این خصوص بر خواندن در اقشار مختلف صورت یافته که جهات مطالعه را در این دوره نشان می‌دهد.

بالاخره در واپسین دوره تحقیق مطالعه و خواندن در لیتوانی که از ۱۹۴۰ میلادی آغاز می‌شود استیلای دیکتاتوری در کشور مزبور، جنگ و نهادهای جدید دوره استالینی فرهنگ عامه را به شدت تحت تأثیر قرار داد، مدارس و کتابخانه‌ها در انقیاد قرار گرفت، نکات منفی در دستیابی به مواد خواندنی فزونی یافت و بالطبع این روند تا سنوات ۱۹۹۵ میلادی به شدت فکر اجتماعی را محدود کرد. متقابلاً هر چند دوره فترت ویژه‌ای در طی سالهای ۱۹۹۵ - ۱۹۶۴ حادث گردید لیکن در سالهای ۱۹۶۴ به بعد، جو سیاسی دگرگون شد و تغییراتی مثبت در نهادهای مختلف فرهنگی در ابعاد ملی پدید آمد. کتابخانه ملی لیتوانی و مراکزی چند در دانشگاه ویلنیوس^۸ همکاری‌های مطلوبی را با توده مردمی به وجود آوردند. ریمشا می‌گوید: تحول مطالعه و تحقیق در خواندن همواره در لیتوانی رقمی روبه توسعه داشته است.

نتیجه‌گیری

آنچه که می‌توان از برداشتهای مطالعه در متن حاضر بیان کرد مبتنی بر نفوذ عوامل سیاسی و اجتماعی در صحنه خواندن می‌باشد. در متغیرهای پیشنهادی و ایلز سعی می‌شود رشد مطالعه براساس بینش‌هایی چون شرایط فرهنگی، توزیع،

سبک‌ها و شخصیت خواننده تقسیمات صورت یابد. این شیوه در بردارنده متغیرهایی است که در نسوج جامعه حالتی تکاملی دارند، گاهی توسعه یافته و زمانی به عقب می‌روند. در حالی که همین تفکر در نضج اندیشه در میان مردم از سوی دارتتون مطرح است، ریمشا تفکر خواندن و مطالعه را مبتنی بر ساختار سیاسی و دوره‌های تاریخی می‌نماید. وی مطالعه را در حیطه ابعاد اهرم قدرت مورد تنقید قرار می‌دهد. از دید وی عدم اقتدار نهادهای دموکراتیک نسوج رفتار چاپ و انتشار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان دریافت مطالعه نیز مانند دیگر تفریحات فراغتی رابطه‌ای همبسته با نهادهای سیاسی و اجتماعی دارد.

منابع

1. Spencer Richards, Pamela. *Reading and Reading Research in the united states in the Twentieth Century*. 57 the IFLA General Conference Moscow, USSR (18-24 AUG 1991) Booklet 7.P 36.
۲. استیگر، رالف سی. *راههای تشویق مطالعه*. ترجمه پروانه سپرده. تهران: دبیرخانه هیأت انسانی کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۰، ص ۵۵، ۲۳.
3. *Reading and Reading Research in the united states ... P 37*.
4. Ibid. P 37.
۵. فریار، اکبر. بازیابی مفهوم "فراغت در جامعه امروز". نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۳ - ۴ (۱۳۷۱) سال ۳۵، ص ۲۳۲، ۲۳۱.
6. *RIMSA, Vytautas investigations into Reader interest and Reading in Lithuania, 1918-1990*. 58 IFLA General Conference New DELHI, india (AuG 30-Sept 5, 1992) Booklet 7. PP. 16-18.

یادداشتها

1. Andrew Carnegie
2. John D. Rockefeller
3. What people want to Road
4. Douglas waples
5. Robert Darnton
6. *The Business of Enlightenmet : A Publishing History of the Encyclopedie 1775-1800*
7. Vytautas RIMSA
8. Vilnius University